

تبیین و گاهنگاری فرهنگ کورگان‌های شرق شمال غرب ایران؛ براساس بررسی و کاوش در قلعه بوینی یوغون نیر

دکتر اکبر پورفرج

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

(از ص ۵۹ تا ۸۱)

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۱۱

چکیده:

یکی از مهم‌ترین بقایای باستان‌شناسی شرق شمال غرب ایران، وجود هزاران کورگان با ساختار و معماری بسیار پیشرفته‌ای است که در ایجاد آن‌ها متخصصانی خبره و تمام وقت دخالت داشته و با وجود نبود محوطه‌های استقرار همزمان، می‌توان از روی ساختار و محتویات برخی از قبور سالم کاوش شده، وجود نوعی جامعه با ساختار حاکم نشین را استنباط کرد که قادر به ایجاد چنین آرامگاه‌های با عظمتی شده‌اند؛ ولی تا به حال هویت آن‌ها به درستی تبیین نشده و اسرارشان در گذرگاه زمان مه‌آلود شده است.

این مقاله، یکی از این کورگان‌ها را در قلعه بوینی یوغون نیر، شرح داده و با سایر محوطه‌های همزمان، مورد مقایسه و تحلیل قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: شرق شمال غرب ایران، قلعه بوینی یوغون نیر، گور S1، کورگان، بررسی و کاوش.

مقدمه

شمال غرب ایران، به دلیل موقعیت استراتژیک و مواهب طبیعی و فرهنگی خاص، همواره پذیرای فرهنگ‌های مختلف بشری بوده و محوطه‌هایی چون تپه حسنلو و یانیک تپه، جهت درک سیر تحول و گاه‌نگاری فرهنگ‌های خاور نزدیک، نقش مؤثری را ایفا کرده است. از طرف دیگر، خاصیت مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، دوام و بقای آیین‌ها یا سنت‌های فرهنگی آن است که با وجود تغییر و تحولات به وجود آمده در برخی مناطق، مردم همچنان به سنن و آداب و رسوم فرهنگ دیرینه خود ادامه داده و این مساله، در بسیاری از محوطه‌های پیش از تاریخی شمال غرب ایران نمود یافته و باستان‌شناسان را در گاه‌نگاری دوره‌های مذکور، با مشکلات خاصی روبرو کرده است.

شرق شمال غرب ایران (مناطق قره‌داغ و اردبیل)، با وجود آثار ارزشمند، در ادبیات باستان‌شناسی ایران کمتر شناخته شده و گاه‌نگاری پیش از تاریخ و حتی دوران تاریخی شمال غرب، بر اساس کاوش‌های حوزه دریاچه ارومیه شکل گرفته است. امروزه، اطلاعات چندانی از سیر تحول فرهنگ‌های دوران پارینه سنگی و دوره نوسنگی قبل از سفال آن گزارش نشده و دوره نوسنگی با سفال نیز فقط در چند لایه تحتانی محوطه قوشا تپه (هژبری، نوبری و پورفرج، ۱۳۸۴)، قابل شناسایی بوده و با وجود این، دوره کالکولیتیک در محوطه مذکور، شناسایی شده است (همان). در مورد عصر مفرغ، بررسی‌ها و کاوش‌های قبلی (Ingraham & Summers, 1979; Burney, 1979) اطلاعات خاصی را ارائه نکرده است؛ ولی در چند سال اخیر، کاوش‌های مهمی در منطقه صورت گرفته و توانسته بخشی از مجهولات را پاسخ دهد که از جمله این کاوش‌ها می‌توان به شهر یری اردبیل و قلعه بویینی یوغون اشاره کرد. در این مقاله سعی خواهد شد که گور S₁ قلعه بویینی یوغون، با جزئیات بیشتر معرفی و مورد مقایسه قرار گیرد.

بیان مساله

چنانچه گفته شد در شرق شمال غرب ایران، قبور کلان سنگی بسیار زیادی وجود دارد که از منطقه قره‌داغ، تا جنوبی‌ترین قسمت استان اردبیل گسترش یافته و بیشتر به حالت تومولوسی بوده، قابل تقسیم به انواع مختلفی است که از حوصله این مقاله خارج است.

گاه‌نگاری چنین قبوری، به چند دلیل بسیار دشوار بوده که از جمله این دلایل می‌توان به حفاری‌های قاجاق (تخریب ۹۹/۹۹ درصد)، وجود تدفین‌های ثانوی، نبود استقرارهای همزمان با آنها، حوزه گسترش بسیار وسیع، کمبود کاوش‌های علمی و از همه مهم‌تر، عدم وجود سفال منقوش فرهنگ‌های خابور و ظروف نوع ارومیه در این منطقه اشاره کرد. مطالعات نگارنده روی آثار برخی از قبور شهر یری نشان داد که تعدادی از قبور، ارتباط نزدیکی با فرهنگ‌های عصر مفرغ میانی منطقه قفقاز، به خصوص فرهنگ سوان - اوزرلیک داشته (پورفرج، ۱۳۸۶)؛ ولی هیچ‌گونه سفال منقوش از این قبور، تا به حال شناسایی نشده است. بنابراین، قبل از شرح

یافته‌های گور S₁ قلعه بوینی یوغون که موضوع اصلی مقاله است، لازم است نگاهی به وضعیت فرهنگی شمال غرب ایران، پس از فرهنگ کورا - ارس داشته باشیم.

پس از پایان فرهنگ کورا - ارس، در بیشتر مناطق تحت نفوذ، فرهنگ‌های جدیدی حاکم می‌شوند. این مناطق، شامل شمال غرب (Burney & Lang, 1972)، شمال، غرب (Young, 1969) و شمال مرکزی ایران (طلایی، ۱۳۷۴)، منطقه قفقاز (Kushnareva, 1997) و آناتولی شرقی (Özfiat, 2001) است.

سفال منقوش، همراه با گونه دیگر سفال خاکستری تیره براق فرهنگ یانیک، از مشترکات آن‌ها بوده که با اسامی مختلفی معرفی شده و با وجود شباهت‌ها، تفاوت‌های اساسی نیز در میان آن‌ها ظاهر می‌شود. به لحاظ زمانی نیز بین اواخر هزاره سوم تا اواسط هزاره دوم ق.م و حتی جدیدتر طبقه‌بندی می‌شوند. با وجود این، تغییر و تحولات مذکور، همه جا به طور یکسان اتفاق نیافتاده و شروعی ناگهانی برایشان قابل تصور نیست.

در این میان کورگان‌های شرق شمال غرب، مصداق قابل توجهی در حوزه دریاچه ارومیه پیدا نکرده و روابط فرهنگی بین آن‌ها در بخش سفال، بیشتر از فرم قبور، اقتصاد معیشتی و الگوی استقرار است. برخی از باستان‌شناسان، پایان فرهنگ‌های کورا - ارس را حدود ۲۱۰۰ ق.م ذکر کرده؛ در حالی که رواج کورگان‌های اولیه، از حدود ۲۵۰۰ ق.م گزارش شده است (Sagona, 2004). در این مدت، در بیشتر مناطق تحت نفوذ فرهنگ کورا - ارس، یک سبک زندگی و اقتصاد مبتنی بر دام‌داری و کوچ‌روی حاکم بوده و حوزه دریاچه ارومیه و منطقه نخجوان، با وجود تغییر و تحولات فرهنگی، نه در تدفین و نه در سبک زندگی، نسبت به فرهنگ یانیک تفاوت مهمی را نشان نمی‌دهند. بنابراین، اصلی‌ترین مساله و سوال این است که آیا کورگان‌های پراکنده در شرق شمال غرب ایران، همزمان با عصر مفرغ میانی حوزه دریاچه ارومیه بوده و یا این که در ادوار جدیدتر گسترش یافته است.

قلعه بوینی یوغون نیر

نیر، از شهرستان‌های استان اردبیل، در ۳۵ کیلومتری غرب این شهر، در مسیر اردبیل به سراب واقع شده و قلعه مذکور، در ۱۵ کیلومتری جنوب غرب شهرستان نیر و در نزدیکی روستای کور عباسلو قرار گرفته است (نقشه ۱).

اولین فصل کاوش در محوطه باستانی بوینی یوغون نیر، به پیشنهاد و حمایت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان اردبیل و کسب مجوز از پژوهشکده باستان‌شناسی، از تاریخ ۸۵/۴/۳۱، تا ۸۵/۶/۱۵، به مدت ۴۵ روز انجام گرفت. آثار مختلفی از عصر مفرغ تا دوره اسلامی، در این محوطه شناسایی شد که از موضوع این مقاله خارج است (پورفرج، ۱۳۸۵). یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های هیات، تهیه نقشه توپوگرافی محوطه ۲۰۰ هکتاری، در مقیاس ۱/۱۰۰۰ بود که موقعیت قبور پراکنده و قبر S₁، روی آن مشخص شده است (نقشه ۲).

بررسی سطحی

این بررسی، برای شناسایی کامل محوطه پیرامون قلعه انجام گرفت که منجر به شناخت چندین محوطه و قبور زیادی از عصر مفرغ میانی، تا دوره اسلامی گشت. موقعیت تمامی قبور، با استفاده از دستگاه GPS ثبت و روی نقشه پیاده شده‌اند (پورفرج، ۱۳۸۵).

کاوش در گور S₁

این گور، در جنوب قلعه و در رأس قیرمیزی تپه، در ۳۹۷' و ۵۷ و ۳۷° شمالی و ۳۸۷' و ۳ و ۴۸° شرقی، با ارتفاع ۱۷۹۰ متر از سطح دریا واقع شده و در سیستم شبکه‌بندی محوطه، در جدول R.9 نشان داده شده است.

ساختار گور S₁

در هنگام کاوش، به دلیل حفاری‌های قاچاق، بسیاری از سنگ دیواره‌ها و سقف کلان سنگی گور، به داخل فرو ریخته و امکان تشخیص ابعاد آن را با مشکل روبرو کرده بود. هر چند در گزارش‌های روزانه، طبق روش مرسوم هیات، به تغییر رنگ خاک و اندازه‌گیری عمق از نقطه ثابت اهمیت داده شد، ولی ادامه کار نشان داد که قبر به طور کامل و با یک فراغ خاطر، مورد دستبرد قرار گرفته است (شکل ۱).

ابعاد این گور، ۹×۲/۶۰ متر، جهت آن شرقی- غربی و ارتفاع آن ۱/۹۰ سانتی متر است که با احتساب دورچین یا پشته مصنوعی پیرامون، قطر آن بالغ بر ۱۰ متر است (شکل ۲).

گور مذکور، از نوع کروملچ بوده که در شکل ۲، خطوط منحنی و میزان، بیانگر میزان برجستگی پشته مصنوعی آن بوده و برش‌های این پلان در شکل بعدی مشخص شده است (شکل‌های ۳-۵).

دیواره‌های گور، از قطعات سنگی بسیار بزرگی ساخته شده که ۵ قطعه سنگ در پهلوهای هم، دیواره شمالی و ۵ قطعه سنگ دیگر، دیواره جنوبی گور را تشکیل داده و سنگی بزرگ در دو طرف، نشان از دو طرف انتهایی قبر داشت. پوشش سقف قبر، با استفاده از سنگ‌های بسیار حجیمی صورت گرفته که برای جابه جایی آنها، بیش از ۳۰ مرد ورزشکار لازم بوده؛ آن هم اگر کار با سنگ و حمل آن آشنا باشند. چنانچه طول یکی از سنگ‌های سقف در قسمت غرب گور، ۲۲۵ سانتی متر، عرض آن ۱۶۵ سانتی متر و حدود ۶۳ سانتی متر ضخامت داشته و طول یکی دیگر از سنگ‌های سقف، ۲۸۶ سانتی متر، با عرض ۱۶۸ سانتی متر و ضخامت ۵۸ سانتی متر بود که از یک طرف به داخل قبر افتاده و طرف دیگر، روی دیوار شمالی قرار داشته و هنگام بازسازی، بیل مکانیکی نتوانست آن را سر جای خود قرار دهد. تخته سنگ دیگر سقف گور، با ابعاد ۶۶×۱۱۸، داخل قسمت شرقی گور افتاده بود که هنگام کاوش، تعدادی قطعه سفال از زیر آن به دست آمد (شکل ۱).

عنصری بسیار مهم از معماری مذهبی فرهنگ‌های عصر مفرغ میانی تا عصر آهن شمال غرب، در این گور نمایان شد که تا به حال در ایران گزارش نشده بود. این عنصر، وجود اتاقک هدایا در قسمت شرق گور (شکل

۲) بود. دیوار تقسیم کننده اتاقک (فضای A)، با استفاده از سنگ‌های غرق در ملاط گل ساخته شده و قسمت شرقی (فضای B) گور، یعنی اتاق مرده را از بقیه آن جدا کرده است.

طول دیوار تقسیم کننده، ۲/۴۰ سانتی متر و عرض آن، ۸۰ سانتی متر بوده و جهت شمالی - جنوبی دارد. با وجود آسیب‌های وارده به کف قبر از طرف قاچاقچیان، در بیشتر قسمت‌ها یک کف‌سازی از جنس گچ دیده می‌شود که به نظر می‌رسد به عنوان کف از آن استفاده کرده‌اند. از طرف دیگر در اتاقک هدایا (فضای A)، دو کف ظرف در محل واقعی خود، روی یک خاک رس قرمز رنگ دیده شد که زیر آن کف‌سازی گچی قابل مشاهده بود.

از دیگر مشخصات مهم معماری این قبر، چگونگی ایجاد دور چین و پشته، پیرامون قبر بود. تصور قبلی نگارنده، بر اساس گزارش‌های باستان‌شناسان قفقازی و روسی، وجود سنگ‌های نسبتاً کوچک، پیرامون قبور بود که با عنوان کروملج از آن نام بردیم. در ادامه کاوش جهت بازسازی سنگ‌های دیواره جنوبی اتاق قبر، موفق شدیم چگونگی ایجاد پشته‌های مصنوعی پیرامون این کورگان را مطالعه و مستند سازی نماییم که عبارت بود از انباشت قلوه سنگ‌های ریز و متوسطی که به صورت لایه به لایه، روی هم تلنبار شده بود. تکنیک کار به این صورت بوده که سنگ‌های رودخانه‌ای را پشت سنگ‌های اتاق قبر تلنبار کرده و با خاک رس احتمالاً الک شده، بین آن‌ها را پر می‌نموده و خاک را تا حدود نیم متری، روی قبر بالا می‌آورده‌اند. به نظر نگارنده، در زمان خودشان سنگ‌های پوشش دهنده سقف، زیر خاک مدفون بوده و به صورت تپه مانندی، زیر تومولوس قرار می‌گرفته است (شکل ۶-۴).

با توجه به حفاری‌های قاچاق، امکان تشخیص شیوه تدفین و جهت آن و سایر مشخصات مرتبط با آداب تدفین وجود نداشته؛ ولی جمع‌آوری دقیق استخوان‌ها و تهیه آمار هر کدام از قطعات، به خصوص آمار مربوط به استخوان‌های فک و دندان‌های انسانی، چند تدفینه بودن را در این قبر، به طور کامل اثبات کرد^۱.

پس از اتمام کاوش، با محاسبات دقیق، سنگ‌ها را با استفاده از بیل مکانیکی، به محل اصلی خود برگرداننده و دورچین قبر را با همان تکنیک زمان خود شکل داده و مرمت اولیه روی آن انجام گرفت (شکل ۶).

سفال‌های گور S₁

به دلیل اهمیت و شرایط خاص این گونه قبور در منطقه، هیچ گونه سفالی از این قبر دور ریز نشده و برای تمامی قطعات آن شناسنامه تهیه شد. از ۸۲۰ قطعه سفال به دست آمده از گور S₁، نتایج ذیل را می‌توان استخراج نمود:

بر اساس رنگ سطح بیرونی، سفال در طیف خاکستری - سیاه با ۶۳/۰۵ درصد، سفال غالب بوده و چنین ترکیبی، در بیشتر گوره‌های این دوره در شرق شمال غرب ایران قابل مشاهده است (نمودار ۱). روی این سفال‌ها، تزیینات طرح داغ‌دار، بیشترین و به ندرت تزیینات کنده، شیاری و برجسته دیده می‌شود (نمودار ۲).

۱. مطالعه روی استخوان‌ها در حال انجام است که در مقالات دیگر نتایج آن بیان خواهد شد.

طبقه‌بندی و بیان درصد فراوانی رنگ سطح بیرونی سفال بر اساس نوع قطعه، به خصوص بر مبنای آمار لبه، از مهم‌ترین طبقه‌بندی‌هایی بوده که می‌تواند باستان‌شناس را به واقعیت‌های موجود و یا بوده‌ها رهنمون سازد که متأسفانه، کمتر به این مساله در کاوش‌ها بها داده می‌شود. به علت این که لبه، بر خلاف بدنه در ظروف، ابعاد محدودی داشته و هر ظرفی، چه خمره بزرگ و چه کاسه، در زمان شکستن، آمار مشخص و نزدیک به هم را دارند و از طرف دیگر، از روی لبه، به تعداد و تکرار گونه‌های مختلف ظروف در هر لایه و بافت باستانی، می‌توان پی برد.

بنابراین بر اساس نمودار ۳، غالب بودن سفال خاکستری - سیاه در لبه نیز قابل مشاهده است (نمودار ۳). در نمودار ۴، به طور دقیق بیشتر مشخصات مهم سفال، جهت مطالعه و مقایسه آورده شده و چون نوع قطعه و درصد واقعی نیز روی آن نوشته شده، نیازی به توضیحات اضافی ندارد (نمودار ۴). در ادامه، تعدادی از نمونه سفال‌های انتخاب شده، همراه با طرح‌ها (لوح ۱)، جدول مشخصات سفال (جدول ۱) و جدول مقایسه و گاه‌نگاری (جدول ۲) ارایه شده است.

جدول ۱- مشخصات سفال لوح ۱ (گور S₁)

نوع تزئین	ساخت	پخت	جنس سفال	تمپر	رنگ خمیره	رنگ سطح		شماره
						بیرونی	درونی	
-	دست	ناکافی	متوسط	شن	نخودی	آجری	قهوه‌ای مایل به آجری	1
داغ‌دار -	چرخ	کافی	متوسط	شن	خاکستری	خاکستری روشن	خاکستری روشن	2
داغ‌دار	دست	کافی	متوسط	شن ریز	خاکستری	سیاه	خاکستری تیره	3
-	دست	کافی	متوسط	شن متوسط	خاکستری	خاکستری روشن	خاکستری روشن	4
داغ‌دار	دست	ناکافی	متوسط	شن متوسط	قهوه‌ای	خاکستری	خاکستری روشن	5
طنابی	دست	کافی	متوسط	شن متوسط	خاکستری	خاکستری روشن	خاکستری روشن	6
-	دست	ناکافی	متوسط	شن درشت	خاکستری	آجری مایل به خاکستری	خاکستری	7
-	چرخ	ناکافی	خشن	شن متوسط	سیاه	آجری	آجری	8
-	دست	کافی	ظریف	شن ریز	قهوه‌ای	قرمز مایل به قهوه‌ای	قرمز مایل به قهوه‌ای	9

10	خاکستری روشن	خاکستری تیره	خاکستری	شن ریز	ظریف	کافی	دست -
11	خاکستری تیره	خاکستری روشن	خاکستری	شن ریز	متوسط	کافی	چرخ -
12	خاکستری	سیاه	خاکستری	شن	متوسط	کافی	دست -
13	خاکستری روشن	خاکستری روشن	قهوه‌ای	شن ریز	ظریف	ناکافی	چرخ -
14	قهوه‌ای روشن	-	قهوه‌ای	شن ریز	متوسط	کافی	چرخ -
15	خاکستری تیره	سیاه	سیاه	شن ریز	متوسط	کافی	دست -
16	خاکستری روشن	خاکستری تیره	سیاه	شن ریز	متوسط	کافی	دست -
17	خاکستری روشن	خاکستری روشن	خاکستری	شن ریز	متوسط	کافی	چرخ -
18	خاکستری روشن	خاکستری روشن	خاکستری	شن ریز	متوسط	کافی	چرخ -
19	خاکستری	خاکستری	قهوه‌ای تیره	شن	متوسط	ناکافی	دست -
20	خاکستری روشن	خاکستری روشن	خاکستری	شن ریز	متوسط	کافی	چرخ -
21	قهوه‌ای	خاکستری	سیاه	شن	متوسط	ناکافی	دست -
22	آجری	قرمز مایل به آجری	قهوه‌ای	شن ریز	متوسط	کافی	چرخ -
23	خاکستری تیره	خاکستری تیره	سیاه	شن ریز	ظریف	کافی	دست -
24	قهوه‌ای	خاکستری	قهوه‌ای	شن	متوسط	کافی	دست -
25	نخودی مایل به قهوه‌ای	خاکستری	سیاه	شن	متوسط	کافی	چرخ داغ‌دار
26	آجری	آجری	آجری	شن ریز	متوسط	کافی	چرخ داغ‌دار
27	خاکستری تیره	سیاه	سیاه	شن ریز	متوسط	کافی	دست -
28	-	خاکستری	خاکستری	شن درشت	متوسط	ناکافی	دست -
29	سیاه	سیاه	خاکستری	شن ریز	متوسط	کافی	چرخ -
30	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	خاکستری	شن ریز	خشن	کافی	چرخ فرو رفته
31	سیاه	خاکستری روشن	خاکستری	شن ریز	ظریف	کافی	چرخ -
32	آجری	آجری	خاکستری	شن	ظریف	ناکافی	چرخ داغ‌دار
33	خاکستری روشن	قهوه‌ای	قهوه‌ای	شن ریز	ظریف	ناکافی	دست -
34	خاکستری روشن	قهوه‌ای	قهوه‌ای تیره	شن ریز	متوسط	کافی	دست داغ‌دار
35	خاکستری تیره	خاکستری تیره	آجری	شن ریز	متوسط	ناکافی	دست داغ‌دار
36	آجری	-	آجری	شن	متوسط	کافی	چرخ شیاری
37	قهوه‌ای تیره	آجری	سیاه	شن ریز	خشن	ناکافی	چرخ طنابی
38	آجری مایل به قرمز	قهوه‌ای تیره	آجری	شن ریز	متوسط	کافی	دست شیاری
39	خاکستری روشن	خاکستری روشن	سیاه	شن ریز	متوسط	کافی	چرخ شیاری

برجسته داغ‌دار	دست	ناکافی	متوسط	شن متوسط	قهوه‌ای	-	خاکستری روشن	40
برجسته	چرخ	کافی	متوسط	شن ریز	خاکستری	-	نخودی مایل به قهوه‌ای	41
برجسته	دست	کافی	متوسط	شن ریز	آجری	آجری	خاکستری تیره	42
برجسته	چرخ	کافی	متوسط	شن ریز	خاکستری	خاکستری تیره	خاکستری روشن	43
کنده	چرخ	کافی	خشن	شن ریز	خاکستری	خاکستری	خاکستری	44
-	دست	کافی	متوسط	شن ریز	خاکستری	سیاه	سیاه	45

جدول ۲- مقایسه و گاه‌نگاری^۱ سفال‌های لوح ۱

شماره	نام محوطه	نوع شبهات	میزان شبهات	منبع مقایسه
1	شهر یری اردبیل	فرم	عالی	پورفرج، ۱۳۸۶، لوح ۸:۴، ش. ۴
2	هفتوان VIB	فرم	دور	Edwards, 1983, fig. 70
3	هفتوان VIB	فرم	خوب	Edwards, 1983, fig. 114:1
4	تسکاهویت ارمنستان	فرم و رنگ	خوب	Smith, 2004, fig. 8:i
5	دینخواه IVc	فرم	دور	Hamlin, 1974, fig. XII:d
6	هفتوان VIB	فرم	نسبتاً خوب	Edwards, 1983, fig. 123:16
7	هفتوان VIB	فرم	نسبتاً خوب	Edwards, 1983, fig. 107:3
	گوی D	فرم	دور	BurtonBrown, 1951, fig. 19:405
9	گوی K	فرم	خوب	BurtonBrown, 1951, fig. 10:317
10	هفتوان VIB	فرم	خوب	Edwards, 1983, fig. 107:3
12	کول تپه انخجوان	فرم	خوب	Seyidov, 2003, Sekil.12:16
13	قبر کارچغیبور ارمنستان	فرم	خوب	Yengibaryan, 2002, P. 437, Pl. XXI:4
14	هفتوان VIB	فرم و رنگ	خوب	Edwards, 1983, fig. 130:4-5
15	دینخواه IV	فرم	دور	Hamlin, 1974, fig. VI:13
16	گوی D	فرم	دور	BurtonBrown, 1951, fig. 19:76
	دینخواه IV	فرم	نسبتاً خوب	Hamlin, 1974, fig. VI:11

۱. در این جدول، به دلیل محدودیت حاکم بر صفحات مقاله، فقط یک نمونه از مراجع مورد مقایسه بیان شده است.

Edwards, 1983, fig. 84:1	خوب	فرم و رنگ	هفتوان VIB	20
Edwards, 1983, fig. 84:1	نسبتاً خوب	فرم	هفتوان VIB	23
Edwards, 1983, fig. 133:3	نسبتاً خوب	آبکش	هفتوان VIB	24
Edwards, 1983, fig. 91:15	نسبتاً خوب	فرم	هفتوان VIB	25
Seyidov, 2003, Shekil. 15:2	خوب	فرم و رنگ	کول تپه II نخجوان	
Edwards, 1983, fig. 91:4,5;124:12	خوب	فرم و قطر دهانه	هفتوان VIB	27
Hamlin, 1974, fig. IV:36	خوب	فرم	دینخواه IV	
BurtonBrown, 1951, fig. 19:405	نسبتاً خوب	فرم پایه	گوی K	28
Edwards, 1983, fig. 124:14	نسبتاً خوب	فرم پایه	هفتوان VIB	29
پورفرج، ۱۳۸۶، لوح ۸:۸، ش. ۳۳	عالی	پایه و تزئین	شهر یری اردبیل	30
Smith, 2004, fig. 4:b	خوب	طرح داغ‌دار	تسکاهویت ارمنستان	32
Hamlin, 1974, fig. XIV:i	خوب	طرح داغ‌دار	دینخواه IV	33
Sagona, 2004, fig. 27:3-4	عالی	تزئین داغ‌دار	ساس هویوک IVB	
پورفرج، ۱۳۸۶، لوح ۸:۹، ش. ۵۰	عالی	فرم طرح داغ‌دار	شهر یری اردبیل	35
پورفرج، ۱۳۸۶، لوح ۸:۱۰، ش. ۵۷	خوب	نقش طنابی	شهر یری اردبیل	37
Seyidov, 2003, Sekil. 57:10-15	خوب	نقش خیاری	شاه تختی I نخجوان	39
Smith, 2004, fig.8:g	خوب	طرح داغ‌دار	تسکاهویت ارمنستان	40
Seyidov, 2003, Sekil. 55:5-6	خوب	دسته دماغی	شاه تختی I نخجوان	45
Badaljan, etal, 1994, fig. 5:6	خوب	فرم	هروم ارمنستان	

سایر یافته‌های گور S₁.

از آن جایی که قبر مذکور، قبلاً توسط قاچاقچیان، به طور کامل تخلیه شده بود؛ بنابراین انتظار کشف اشیاء موزه‌ای، از قبل مورد نظر ما نبود؛ ولی به اشیاء محدودی برخورد کردیم که به شرح ذیل هستند:

الف- مهره‌ها؛

این گروه، به لحاظ جنس به سه دسته قابل تقسیم بوده و شامل مهره‌هایی می‌شود که در ساخت آن‌ها از سنگ‌هایی مانند عقیق و سنگ‌های شفاف شیشه مانند استفاده شده^۱؛ مهره‌هایی از جنس گچ یا خمیر شیشه؛ و مهره‌هایی که حالت دو لایه داشته و لایه بیرونی آن‌ها مفرغ و لایه درونی، ماده سفید رنگی است که احتمالاً گچ است (شکل ۷).

۱. سی و هشت مهره از جنس سنگ و خمیر شیشه و هشت مهره، دو لایه (مفرغ و خمیر شیشه) بود.

ب - اشیای فلزی؛

ب-۱ - مفرغ: به جز یک مورد دکمه طلا، بقیه اشیای یافت شده مفرغی بوده و شامل مهره‌هایی بود که در بالا اشاره شد، سه عدد دکمه مفرغی پوسیده و یک عدد سرتیر کوچک برگی شکل.

ب-۲ - طلا: تنها شیء طلایی عبارت بود از یک دکمه کوچک طلا، به قطر ۱/۱ سانتی متر که در دو طرف لبه آن دو سوراخ وجود دارد. این شیء در نزدیکی سنگ بزرگ سقف قرار داشت که به دلیل افتادن این سنگ و عدم امکان جابه‌جایی آن، از چشم تبهکاران فرهنگی در امان مانده بود (شکل ۸).

ج - استخوان‌ها:

استخوان‌ها بعد از سفال، از فراوان‌ترین یافته‌های گور بوده که به طور کامل جمع‌آوری و طبقه‌بندی آنها، ضمن این که در آینده اطلاعات ارزشمندی را ارائه خواهد کرد، نتیجه زود هنگام آن تشخیص چند تدفینه بودن این کورگان بود.

تعداد کل استخوان‌های به دست آمده در گور S.1، ۵۰۶ قطعه بوده که شامل استخوان‌های تخت، مانند جمجمه، کتف و ...؛ استخوان‌های دراز، مانند بازو و ران و استخوان‌های کوتاه، مانند مچ دست و پا بود. از جمله فراوان‌ترین و سالم‌ترین استخوان‌ها را می‌توان به دندان‌ها نسبت داد که به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: ۱- دندان‌های انسانی؛ ۲- دندان‌های حیوانی.

۱- دندان‌های انسانی: تعداد آن‌ها ۹۳ عدد بوده و به غیر از ۱۴ عدد که تشخیص‌شان مشکل بود، بقیه ۵۸ عدد دندان آسیاب و ۲۱ عدد دندان نیش هستند.

۲- دندان‌های حیوانی: تعداد آنها، بیست و هفت عدد بوده که از این تعداد، بیست و پنج عدد دندان حیوانات علفخوار و دو عدد (۲ عدد)، دندان حیوانات گوشتخوار (احتمالاً خرس) است.

نتیجه‌گیری و گاه‌نگاری

بنابراین، پراکندگی کورگان‌ها در سراسر شرق شمال غرب ایران کاملاً ملموس بوده و با توجه به تدفین‌های ثانوی و تراکم قبور آنها، بیانگر افزایش جمعیت کوچ‌رو و دام‌دار در این مناطق می‌تواند باشد که خلاف سبک زندگی فرهنگ‌های عصر مفرغ حوزه دریاچه ارومیه است.

هر چند تا به حال در ایران، هیچ گاه‌نگاری مطلق در مورد این فرهنگ صورت نگرفته؛ ولی بر اساس مقایسه‌های انجام یافته، می‌توان این قبور را از اواخر فرهنگ کورا - ارس تا عصر آهن قدیم در شرق شمال غرب ایران تاریخ‌گذاری نمود (پورفرج، ۱۳۸۶).

چنانچه داده‌های گور S₁ نشان می‌دهد سفال خاکستری و سیاه، در ترکیب سفالین این فرهنگ غالب بوده (نمودار ۱) و به لحاظ تزیینات سفال، با طرح داغ‌دار در اکثریت بوده که این مساله، کاملاً با فرهنگ‌های عصر مفرغ میانی حوزه دریاچه ارومیه و آناتولی شرقی متفاوت است (نمودار ۲) و الگوی استقرار و نحوه معیشت نیز در مناطق مذکور، تفاوت اساسی را نشان می‌دهند؛ در حالی که این مساله در مورد فرم‌های ظروف صدق

نمی‌کند که در هر دو منطقه شباهت‌های نزدیکی می‌توان یافت و نفوذ فرهنگ کورا - ارس، در تمامی فرهنگ‌های پس از آن، به قدری ملموس و قابل مشاهده بوده که تغییرات به وجود آمده را بیشتر به تحول و پیشرفت در طول زمان می‌توان تفسیر کرد تا مهاجرت (جدول ۲).

ساختار قبور پراکنده این دوره، نمود بسیار قابل توجهی در منطقه قفقاز جنوبی داشته و از حدود ۲۵۰۰ ق.م. همزمان با فرهنگ کورگان‌های قدیم آغاز و با تغییراتی تا پایان عصر آهن قدیم (عصر II) ادامه داشته‌اند (پورفرج، ۱۳۸۶). این قبور را نمی‌توان با چند نمونه‌ای که در لایه‌های فوقانی دینخواه (Rubinson, 1991) IV، گوی تپه C و D (Brown, 1951) و حکاری ترکیه (Ozfirat, 2002) قابل مقایسه دانست. بنابراین، در حال حاضر با توجه به تدفین‌های ثانویه و دوام و بقایای داده‌های مرتبط با مسایل تدفین، نمی‌توان تاریخ قطعی ارایه نمود و تلاش این مقاله، معرفی صحیح یکی از هزاران کورگان نابود شده و در حال نابود شدن بود.

منابع:

الف) فارسی:

- ابتهاج، و. (۱۳۸۰). بررسی ساختار معماری قبور مگالیتیک عصر آهن ایران: مطالعه موردی، محوطه شهریری در استان اردبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- پورفرج، ا. (۱۳۸۶). بازنگری عصر آهن شمال غرب ایران: مطالعه موردی شهر یری اردبیل و قلاع اقماری، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- کامبخش فرد، س. ا. (۱۳۸۰). سفال و سفال‌گری در ایران: از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر. تهران: انتشارات ققنوس.
- طلایی، ح. (۱۳۷۴). باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد. تهران: سمت.
- هژبری نوبری، ع. و اکبر پورفرج. (۱۳۸۴). تبیین دوران نوسنگی و کالکولیتیک منطقه اردبیل بر اساس داده‌های باستان‌شناسی قوشاتپه شهر یری. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۲، ۱۷۴.

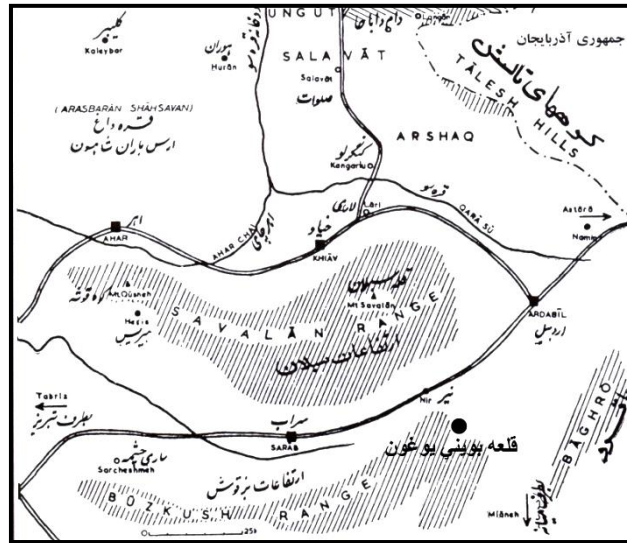
ب) غیر فارسی:

Badaljan, R., Edens, C., Gorny, R., Kohle, P., Stronach, D., Tonikjan, A., Hama Yakjan, S., Mandrikjan, S., and Zardarjan, M. (1993). Preliminary Report on the 1992 Excavations at Horom, Armenia. *Iran*, XXXI, 1-24.

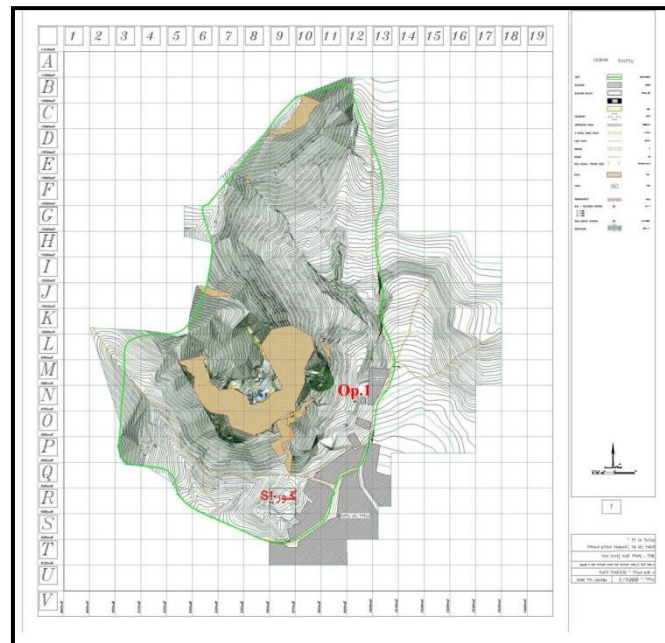
Burney, C. (1979). Meshkinshah Survey. *Iran*, 17, 150.

Burney, C., and David Lang; M. (1971). *People of the Hills*. London: Weidenfeld and Nicolson.

- Burton Brown, T. (1951). *Excavation in Azrbaijan, 1948*. London: John Murrary.
- Edwards, M. R. (1983). *Excavations in Azerbaijan (North Western Iran) Haftvan IV Period*, Bar International Series, 182, Vol. 1.
- Hamlin, C. (1974). The Early Second Millennium Ceramic Assemblage of Dinkha Tepe, *Iran*, 12, 125-53.
- Ingraham, M. L., and Summers, G. (1979), Stelae and Settlements in the Meshkin Shahr Plain, North Eastern Azerbaijan. *Iran, AMI*, 12, 67-102.
- Kushnareva, K. K. (1997), *The Southern, Caucasus in prehistory Studies of Cultural and socio Economic Development from the Early Bronze Age to the second millennium B.C.*, Translated by H. N., Michael, The University Museum: University of Pennsylvania.
- Özfirat, A. (2002). Khabur Ware from Hakkari, *ANES*, 39, 141-151.
- Özfirat, A. (2001). *Dogu Anadolu Yayla Kültürleri (M.Ö.II.Binyil)*, Istanbul: Arkeoloji ve Sanat Yayinlari.
- Rubinson Karen, S. (1991). A Mid-Second Millennium Tomb at Dinkha tepe. *American Journal of Archaeology*, 95(3), 373 - 395.
- Sagona, A. (2004). Social Boundaries and Ritual Landscapes in Late Prehistoric Trans-Caucasus and Highland Anatolia, in A View from the Highlands. *ANES, Supplement*, 12, 661 - 76.
- Seyidov, A. (2003), *Naxçivan e.ə. VII-II Minilliklerde*, Baki, Elm.
- Smith, A., Ruben, T., Badalyan, P., Avetisy, and Mkrtich, Z. (2004). Early Complex Societies in Southern Caucasia: A Preliminary Report on the 2002 Investigations by Project ArAGATS on the Tsakahovit Plain, Republic of Armenia, *American Journal of Archaeology*, 108, 1-41.
- Yengibaryan, N. (2002). *The Graves of the Urartian Period of Urartians in the Sevan Lake Basin*, in: Biscione, R.; Hamayakyan, S. and Parmegiani, N. (eds.), Roma, CNR-Istituto Per Gli Studi Miceneied Egeo-Anatolici.
- Young, T., (1969). *Excavation at Godin Tepe: First Progress. Report*, ROM.



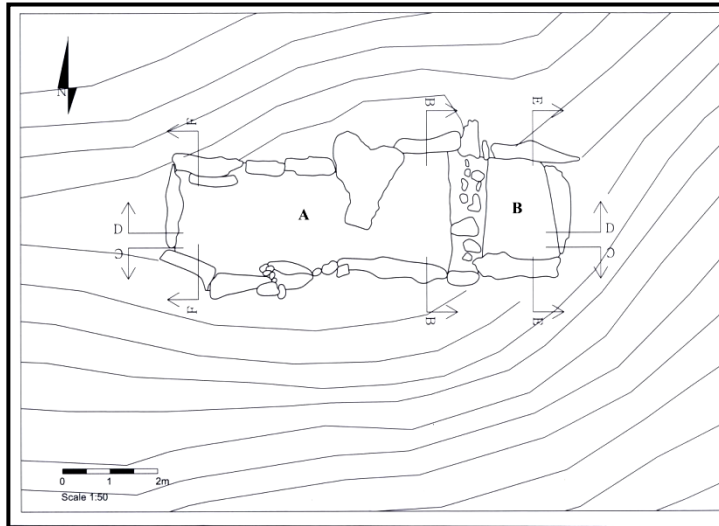
نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی قلعه بوینی یوغون نیر (کامبخش فرد، ۱۳۸۰)



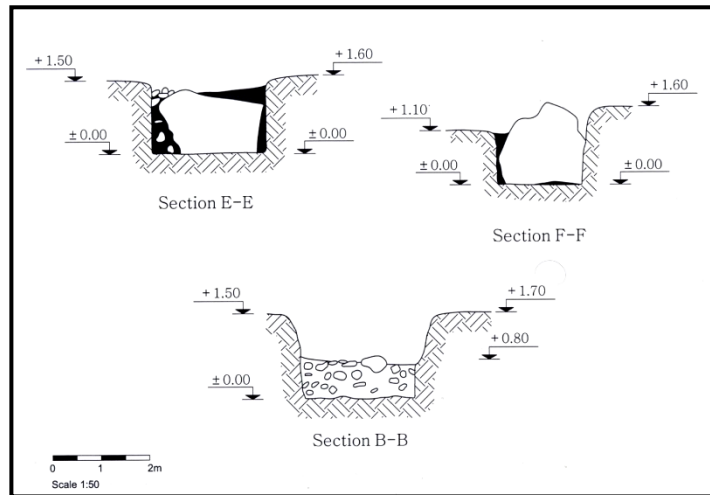
نقشه ۲- توپوگرافی قلعه بوینی یوغون



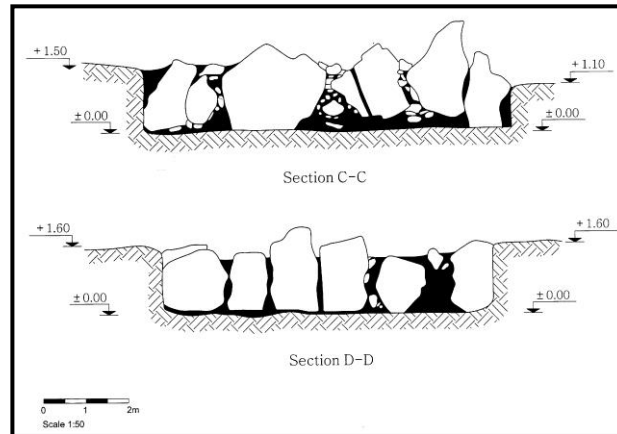
شکل ۱- وضعیت کورگان قبل از کاوش



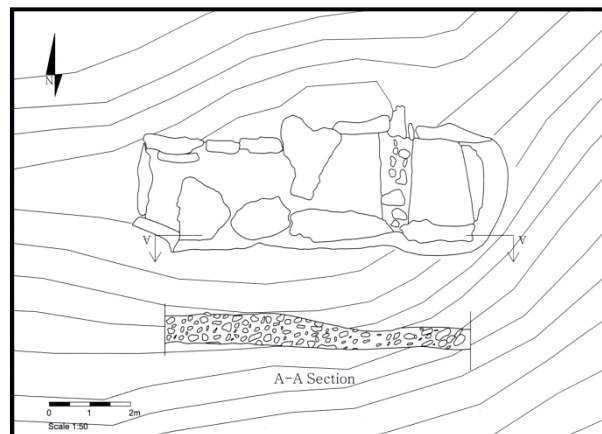
شکل ۲- پلان گور S₁



شکل ۳- سکشن‌های شکل ۱



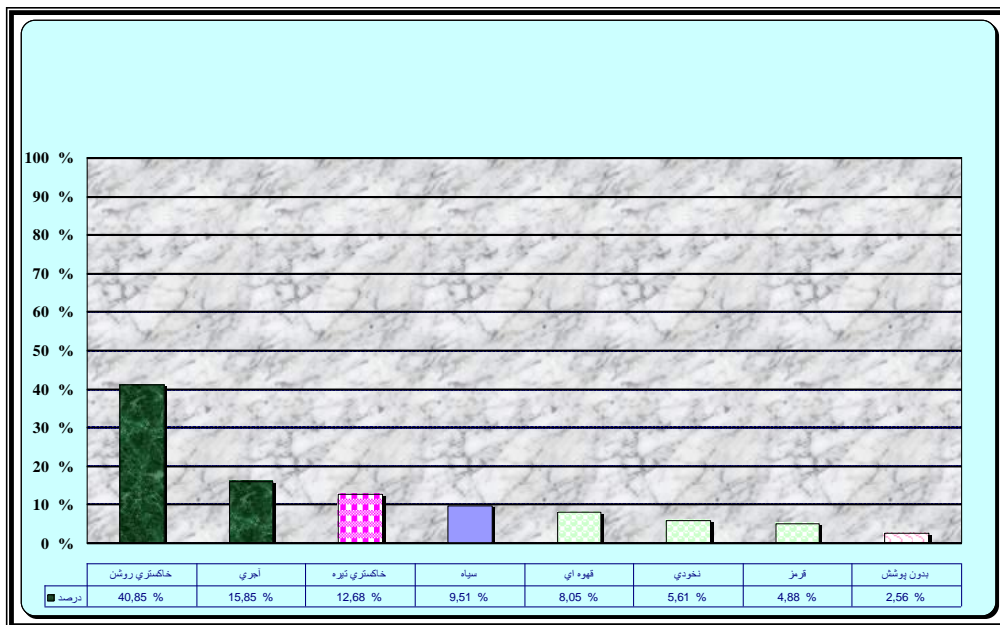
شکل ۴- سکشن‌های پلان ۱



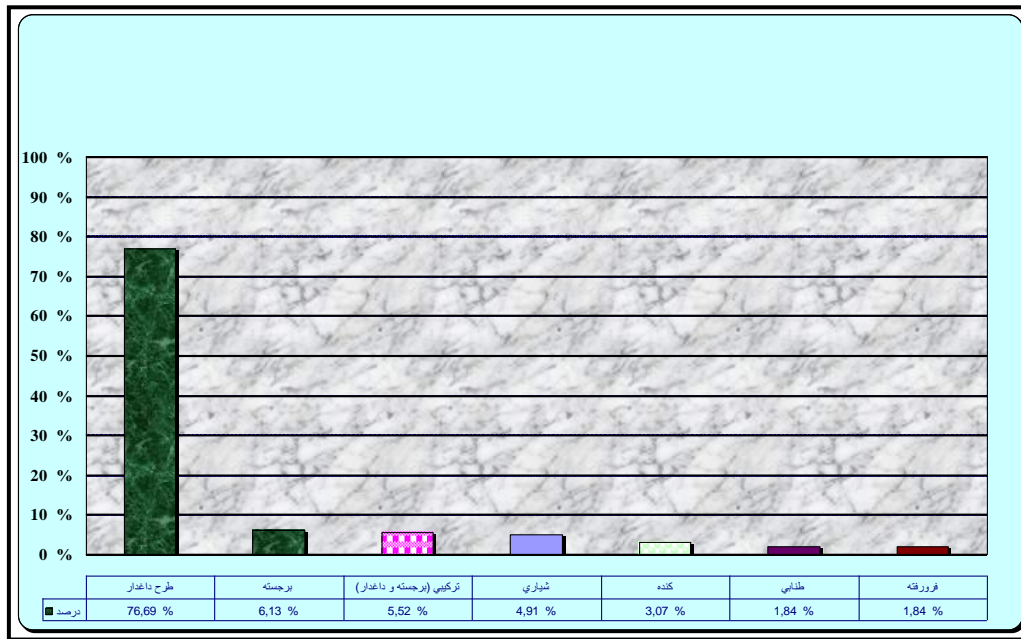
شکل ۵- پلان گور S₁ و سکشن پشته پیرامون



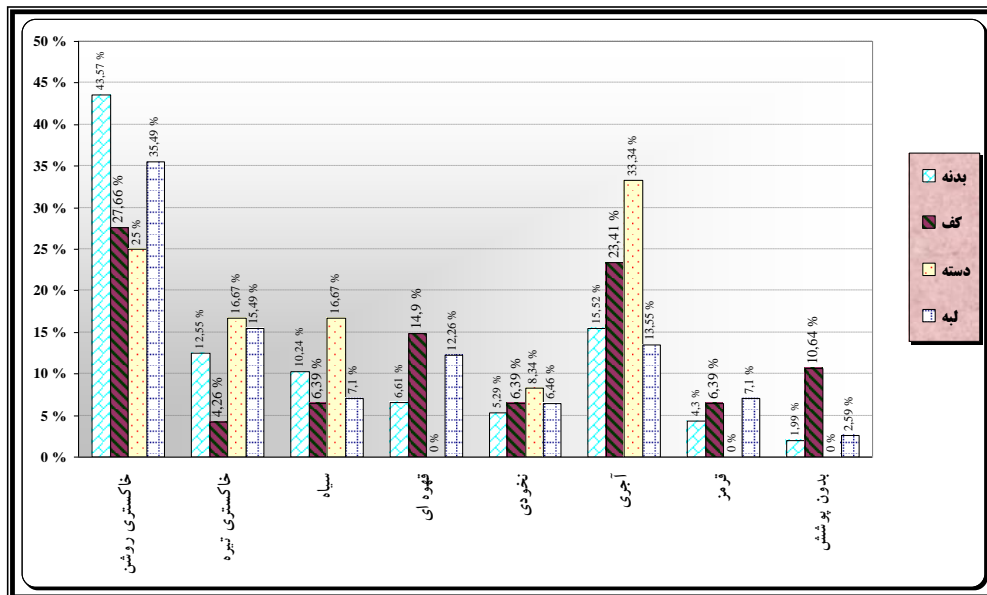
شکل ۶- گور S₁ پس از بازسازی و مرمت



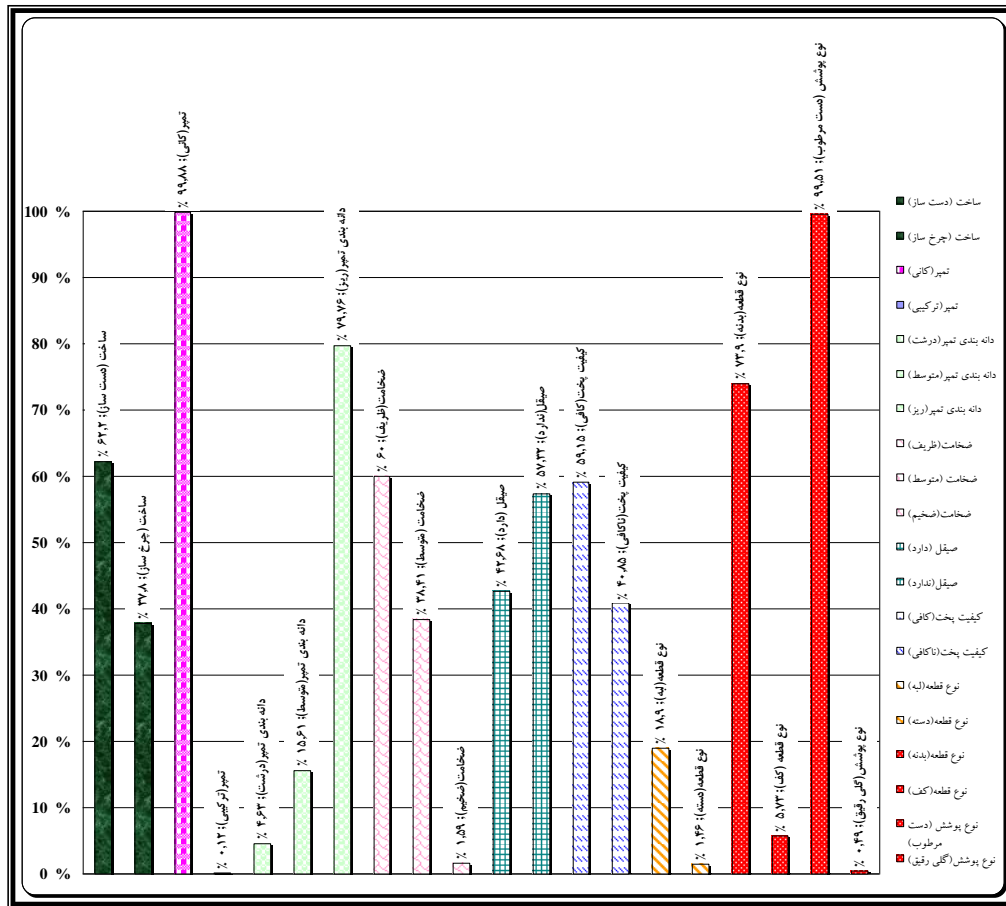
نمودار ۱- درصد فراوانی سفال گور S₁ بر اساس رنگ سطح بیرونی



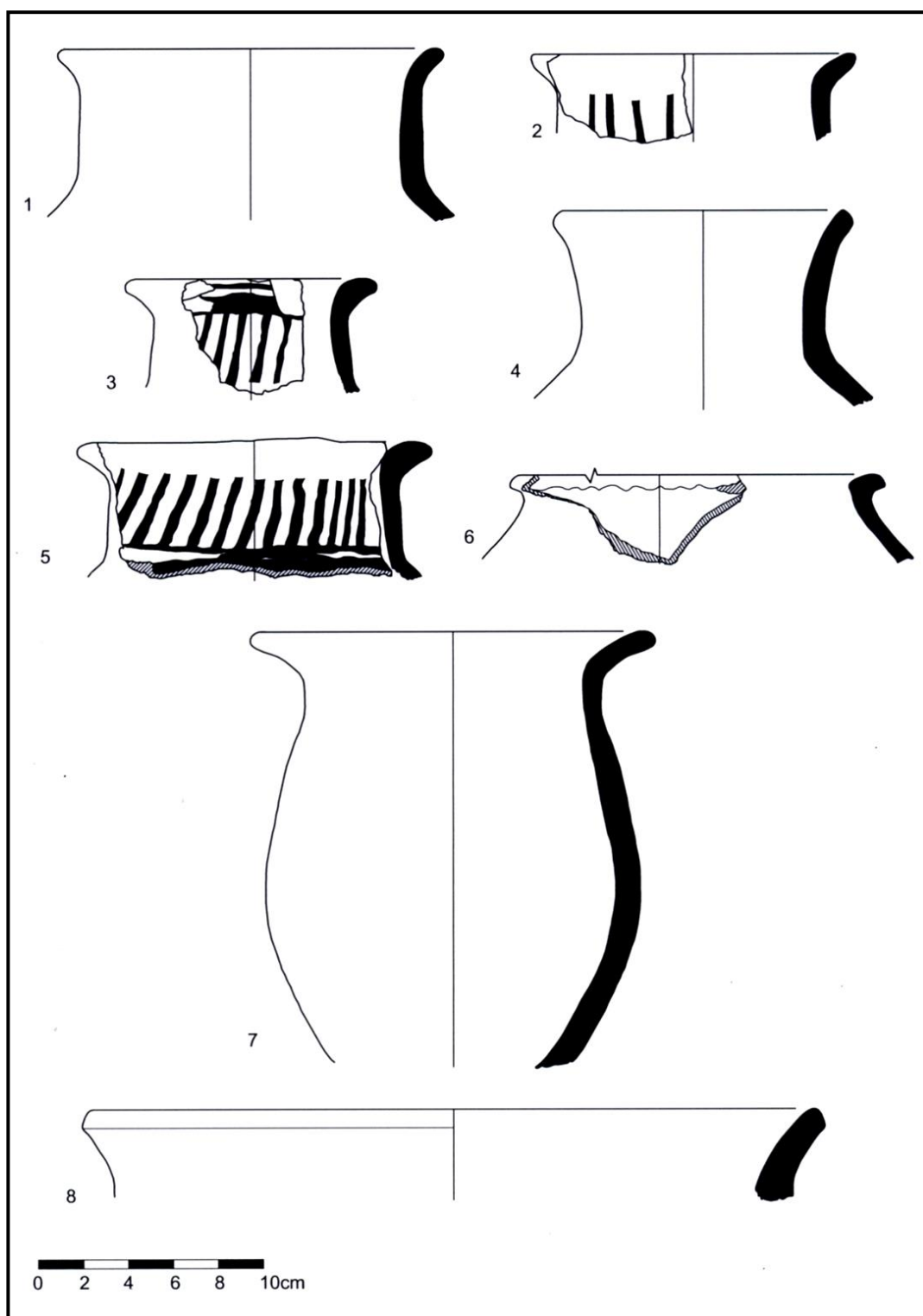
نمودار ۲- درصد فراوانی تزیینات سفال گور S₁



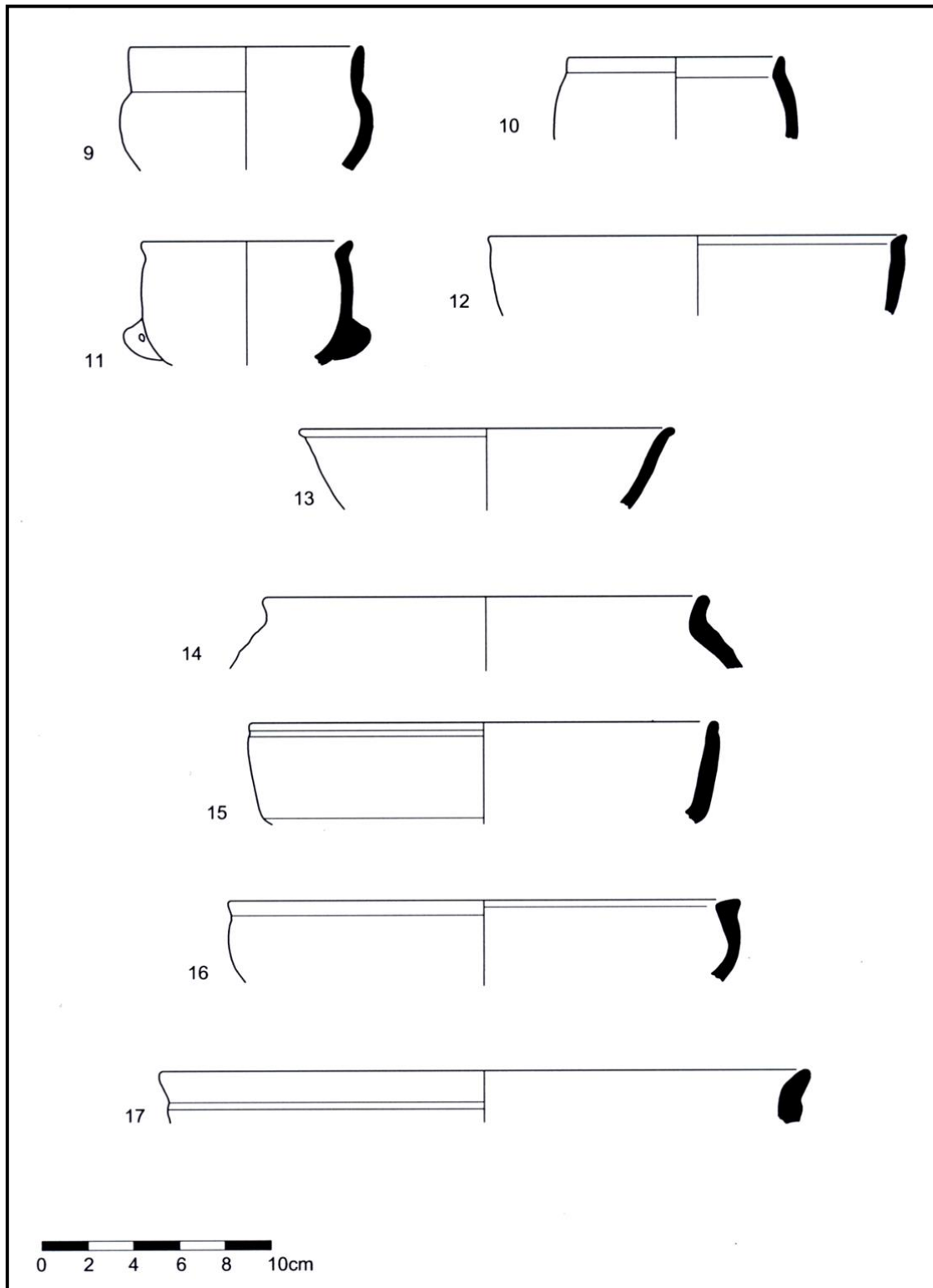
نمودار ۳- درصد فراوانی رنگ سطح بیرونی بر اساس نوع قطعه

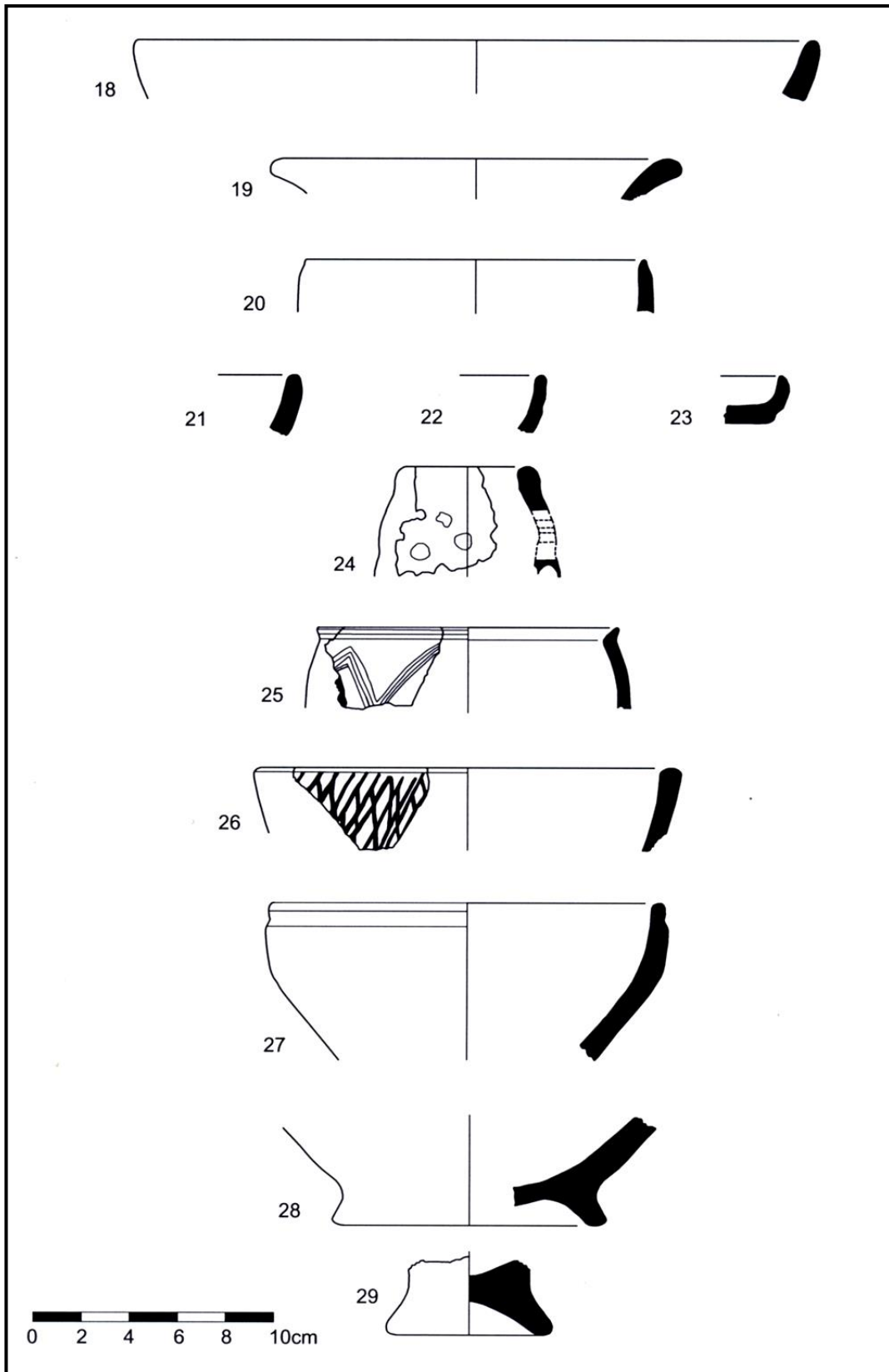


نمودار ۴- درصد فراوانی سفال گور S₁ بر اساس نوع ساخت، تمپر و دانه بندی آن، ضخامت، صیقل، کیفیت پخت، نوع قطعه و نوع پوشش

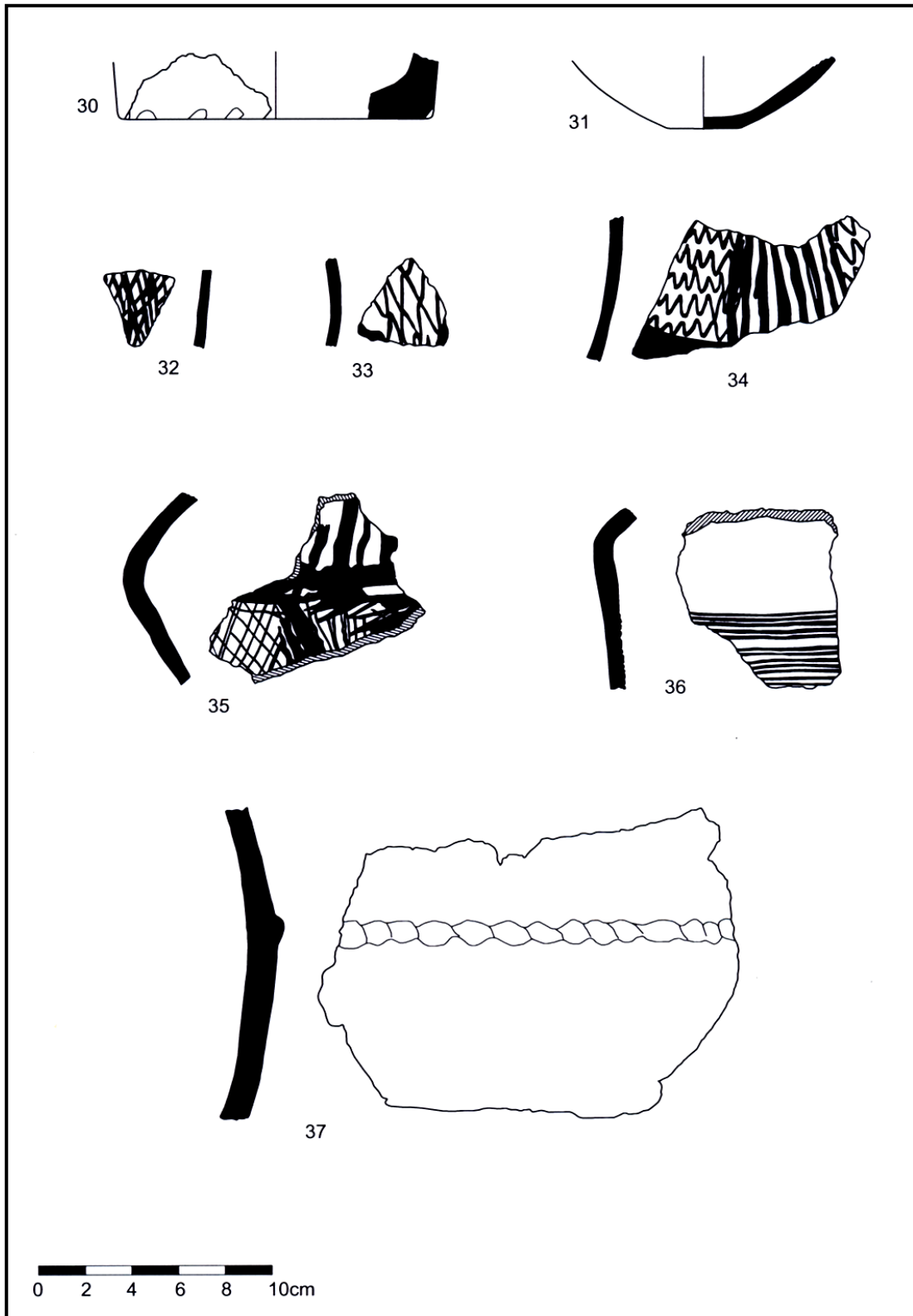


لوچ ۱- طرح‌های سفال گور S₁

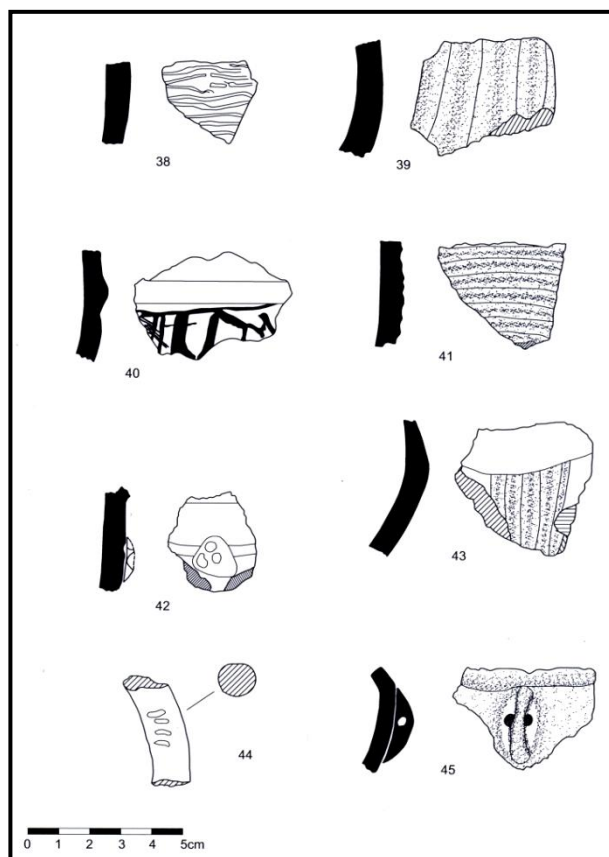




ادامه لوح ۱



ادامه لوح ۱



ادامه لوح ۱



شکل ۷- مهره‌های گردنبند یافت شده در گور S₁



شکل ۸- دکمه طلا از گور S₁

